

صلح و خشونت از امور استراتژیک در اسلام هستند



پژوهشگر اجتماعی تونس تصریح کرد: صلح و خشونت در نظر رسول خدا (ص)، اصول موقتی و گذرا نبودند، بلکه از جمله امور استراتژیکی بودند که ایشان در هر فرصتی به آنها دعوت می‌کردند و برای آنها پایه‌هایی را در جامعه بنا می‌گذاشتند.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ذهبیه فاهم، پژوهشگر اجتماعی از کشور تونس در وینار کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار شد، در ارتباط با جنگ و صلح در سیره پیامبر اسلام (ص) اظهار داشت: در حقیقت هیچ راهی بیش از صلح نمی‌تواند بقای یک امت و دوام آن را تضمین کند، چرا که تاریخ سرنوشت ملت‌هایی را که با در پیش گرفتن راه جنگ و خشونت برای حفظ حکومت، نخستین میخ را به تابوت خود زدند، برای ما نقل کرده است.

وی با بیان این که صلح صاحب خود را به وضعیتی بهتر می‌رساند و کسانی که صلح کرده‌اند، هر چقدر هم که دشمن داشته باشند، سالم خواهند ماند، گفت: از این منظر درمی‌یابیم که پیامبران و به ویژه رسول اکرم (ص) صلح را به عنوان مبنایی برای اقدامات خود برگزیدند.

این بانوی اندیشمند تونس به "خشونت" به عنوان واژه مقابل صلح اشاره کرد و گفت: سنت شریف نبوی، کتب تاریخ و دائرةالمعارف‌های اخبار، پر از شواهدی است که هر دو اصل صلح و خشونت را تأیید می‌کنند. صلح و خشونت در نظر رسول خدا (ص)، اصول موقتی و گذرا نبودند، بلکه از جمله امور استراتژیکی بودند که ایشان در هر فرصتی به آنها دعوت می‌کردند و برای آنها پایه‌هایی را در جامعه بنا می‌گذاشتند.

وی با بیان این که صلح شعار رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام در تمام امور و حتی در جنگ‌هایشان بود، خاطرنشان کرد: شریعت اسلامی رحمت، محبت و عدالت را معیار روابط اجتماعی می‌داند و آن را بر همکاری اسلامی برتری می‌دهد.

ذهبیه فاهم با بیان این که جهاد و جنگ از اموری است که دین اسلام آن را تأیید می‌کند، اما به آن دعوت نمی‌کند، گفت: دین اسلام دین صلح و عدم خشونت است و جهاد در اسلام مربوط به زمان اضطرار است.

وی توضیح داد: جنگ، تحریم‌ها و سایر اشکال خشونت برخلاف اصول اولیه اسلامی صرفاً ابزارهای استثنایی و ضروری هستند، درست همان‌طور که انسان گاه مجبور به خوردن مردار و مانند آن می‌شود.

پژوهشگر اجتماعی تونس افزود: در پاسخ به این ادعا که دولت اسلامی، تحت رهبری رسول خدا (ص) دولتی متجاوز بوده و مبنای این ادعا جنگ‌هایی است که ایشان انجام داده است، باید به تمام اسرار پیرامون این جنگ‌ها که این مدعیان عمداً از مردم پنهان کرده اند، توجه شود. ناظر و خواننده دقیق درخواهد یافت که این جنگ‌ها بی‌دلیل نیستند و مثلاً برای دفاع از خود بوده‌اند.

وی ادامه داد: دلیل دوم، خنثی کردن توطئه‌هایی است که علیه دولت اسلامی طرح‌ریزی شده بود و پیامبر مجبور شد دشمن را غافلگیر کند و توطئه‌های آنها را خنثی نماید.